

یادی از آیت الله شهید سید مصطفی خمینی

□ بنیامین شیرخانی

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يُرزقون» (آل عمران / ۱۶۹)

آتینه صبح دلگشا را بردند تا عرش فرشته خدا را بردند
دلهای به خون نشسته در ظهري سرخ برشانه عشق مصطفی را بردند

(غلامرضا پروینی)

ولادت و خانواده

سید مصطفی (فرزند ارشد امام خمینی) در ۱۲ آذرماه ۱۳۰۹ هجری شمسی در قم متولد شد. حضرت امام به پیشنهاد همسر خود نام مصطفی را - که نام پدر امام خمینی بود - برای او انتخاب کرد. گویی از همان آغاز چنین رقم خورد بود که او نیز همانند پدر بزرگ خود به دست ستمگران خودخواه به شهادت برسد. مصطفی در محیطی آکنده از معنویت، صداقت، اخلاص، تعهد و مجاهدت در راه حق رشد کرد. او در سال ۱۳۳۵ با دختر آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی ازدواج کرد و یک پسر (حسین) و یک دختر (مریم) از او به یادگار ماند.

تحصیلات

شهید آیت الله سید مصطفی خمینی تحصیلات ابتدایی را در مدارس رسمی و جدید به پایان



برد و در سن ۱۵ سالگی به فراگیری علوم دینی و حوزوی پرداخت و دوره سطح را از محضر استادانی همچون آیات: حائری، صدوقی، سلطانی، شیخ عبدالجواد اصفهانی گذراند.

از ۲۱ سالگی در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی حاضر شد و همزمان از درس خارج اصول پدر نیز استفاده می کرد و از محضر حضرت آیات عظام: محقق داماد (در قم) و حاج سید محمود حسینی شاهرودی (در نجف) استفاده علمی فراوانی برد.

پشتکار، دقت نظر، استعداد، حافظه قوی و جدیت در فراگیری علوم اسلامی باعث شد در حدود ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد نائل گردد.

معظم له در علم رجال و تاریخ اطلاعات فراوانی داشت و بهره های فراوانی در زمینه فلسفه و حکمت و عرفان نظری و عملی و تفسیر از استادان خود کسب نمود و فلسفه را نزد فیلسوفان نامدار همچون علامه طباطبایی و آیت الله سید ابوالحسن قزوینی آموخت.

خصوصیات و ویژگیهای اخلاقی:

یکی از خصوصیات شهید سید مصطفی خمینی این بود که قرائت قرآن را ترک نمی کرد و حتی در هوای گرم نجف اشرف خود را مقید کرده بود که روزی یک یا نیم جز از قرآن را تلاوت کند و همچنین ادعیه بسیاری را هم از حفظ بود و هرگز ذکر گفتنش ترک نمی شد.

از دیگر خصوصیات شهید مصطفی خمینی این بود که در صراحت لهجه بسیار قوی بود. وی در مقابل هیچ کس حقی را پایمال نمی کرد و ندیده نمی گرفت. نسبت به ائمه معصومین (ع) عشق و علاقه خاصی داشت و به خصوص ذکر امام علی (ع) را زیاد می گفت و بعضی اوقات دم می گرفت و سینه می زد.

از ویژگی های دیگر ایشان این بود که در جنبه های مدیریتی خیلی قوی بود. ایشان در عین حال که دخالتی در اوضاع منزل امام نمی کرد با این وجود همه چیز را زیر نظر داشت و از دوردادور متوجه حرکات و سخنان دیگران بود و تمام آنها را با حضرت امام مطرح می کرد.

یکی از دوستان نزدیک شهید سید مصطفی خمینی نقل می کند: آن همه وجوهی که برای

چرخش کار انقلاب به دست امام می‌رسید بواسطه آقای مصطفی واصل می‌شد ضمن اینکه ابدأ این وجوه را به مصرف شخصی نمی‌رساند. به خاطر دارم یکبار با ایشان در خیابان راه می‌رفتیم، پیرمردی جلو آمد و اظهار تنگدستی کرد. حاج آقای مصطفی دست در جیب کرد و گفت: «به جدم پولی ندارم و هنوز هم شهریه نگرفته‌ام» با این حال مقدار اندکی که پول در جیب داشت کف دست پیرمرد گذاشت و او را روانه کرد. صفا و یکرنگی در او موج می‌زد.

همچنین ایشان وقتی خواست به مکه برود، با پول خانه‌اش که در قم فروخته بود و پولی که از همسرش گرفته بود به مکه رفت. بعضاً از دیگر مراجع شهریه دریافت می‌کرد تا به خرید کتاب و دیگر مسائل ضروری زندگی‌اش برسد و علت آن این بود که پولی که حضرت امام به ایشان می‌داد فقط مخارج متوسط زندگی‌اش از قبیل غذا و اجاره خانه را تأمین می‌کرد.

مرحوم آیت‌الله العظمی بهاء‌الدین که یکی از بزرگان دین و عالمی فرزانه و متقی بودند درباره ایشان می‌فرماید: آقا مصطفی، نظیر کم دارد.

در عرصه مبارزات سیاسی

سید مصطفی از آغاز نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۱ هـ. ش به روحانیون مبارز و سیاسی پیوست و همواره یار و همدم و همراه پدر بود.

پس از دستگیری امام خمینی در شب ۱۴ خرداد ۱۳۴۲ وی اولین کسی بود که صبح به حرم حضرت معصومه (ع) آمد و با سخنرانی پر شور خود مردم را از ماجرای دستگیری پدر آگاه کرد و در مدت حصر امام خمینی در خانه‌ای در شمال تهران رابط پدر با دیگر علما بود. در این دوران علمای بزرگ از سراسر ایران به تهران آمدند تا از علمای زندانی بویژه حضرت امام خمینی حمایت کنند و این حصر به مدت هشت ماه به طول انجامید.

پس از دستگیری و تبعید امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ حاج آقا مصطفی نیز دستگیر و ابتدا در شهربانی قم و سپس در زندان قزل قلعه تهران زندانی شد. عوامل رژیم قصد داشتند او را میل خود از ایران برانند تا یاد و خاطره امام به فراموشی سپرده شود. به همین دلیل وی را بعد از ۵۷ روز



ازداشت، آزاد کردند اما وی پس از مشورت با استادان و فضایی حوزه علمیه از مسافرت به ترکیه منصرف شد تا اینکه چند روز پس از آزادی در ۱۳ دیماه ۱۳۴۳ توسط سرهنگ بدیع رئیس ساواک قم دستگیر و به تهران اعزام و از آنجا هم به ترکیه تبعید شد.

حضور آقا مصطفی در ترکیه تأثیر عاطفی بسیاری بر روی پدر گذاشت او مدافع و خدمتگزار و حتی آشپز پدر بود. لباسهای ایشان را می شست و مونس و غمخوارشان بود و به این ترتیب بیشترین تأثیر را از امام گرفته بود و به همان نسبت نیز بیشترین تأثیر عاطفی را در ایشان گذاشته بود.

سرانجام در روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ به همراه پدر از ترکیه به عراق تبعید شد. او همواره مشاور امین و یآوری استوار برای پدر و هم رزمی وفادار برای روحانیت مبارز عراق به شمار می رفت.

شهید آیت الله سید مصطفی خمینی از سوی پدر با آیت الله العظمی حکیم که در آن زمان از علمای مبارز ضد رژیم تازه استوار یافته بعثی به شمار می آمد ارتباط برقرار کرد.

رژیم عراق که از این تماس ناخرسند بود، در سال ۱۳۴۸ هـ.ش آیت الله سید مصطفی خمینی را دستگیر و به بغداد نزد حسن البکر رئیس جمهوری وقت عراق بردند. رئیس جمهور عراق از وی خواست که پدرش را از حمایت آیت الله حکیم باز دارد ولی او نپذیرفت.

آثار و تألیفات

آیت الله شهید مصطفی خمینی در کنار فعالیتهای به هم پیوسته اجتماعی، مذهبی و سیاسی به پژوهش و تحقیق و تدریس در حوزه می‌پرداختند ایشان در مدت ۱۳ سال در حوزه علمیه نجف اشرف به تدریس و تألیف مشغول بودند و حدود ۱۰ سال در حوزه نجف خارج اصول را تدریس می‌کرد. جلسه درس حکمت منظومه سبزواری ایشان در مسجد محمدیه قم یکی از حوزه‌های پربار فلسفه به شمار می‌رفت. ایشان در حوزه علمیه قم به تدریس خارج فقه نیز اشتغال داشت.

از شهید سید مصطفی خمینی آثار متعددی به یادگار مانده که بعضی از آنها به چاپ رسیده است. بعضی از آثار ایشان عبارتند از: ۱- تحریرات فی الاصول در سه جلد ۲- کتاب الصوم ۳- تفسیر القرآن کریم در ۵ جلد ۴- القواعد الحکمیة ۵- حاشیه بر اسفار اربعه ۶- الفوائد الرجالیة ۷- الحاشیه علی العروه الوثقی ۵- دروس الاعلام و نقلها و ...

بابت تبرک این مقاله به توضیح مختصری درباره تفسیر قرآن کریم شهید آیت الله مصطفی

خمینی می‌پردازیم:

معظم‌له را یکی از کاوشگران معارف قرآنی و عرفانی در قرن چهاردهم هجری می‌دانند. تفسیر ایشان در ۵ جلد در حدود ۲۰۰۰ صفحه از سوی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و با تحقیق و تدقیق شاگردش (حجت السلام والمسلمین محمد سجادی اصفهانی) آماده چاپ و انتشار یافته است.

یکی از ویژگیهای این تفسیر آن است که جنبه علمی آن تمام مطالب و مباحث را فرا می‌گیرد و تار و پود و شیرازه اصلی آن را مباحث علمی و فلسفی تشکیل می‌دهد.

این تفسیر شامل سوره فاتحه و تا آیه ۴۶ سوره بقره «الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم و انهم الیه

راجعون» پیش رفته است اما به جهت شهادت وی ناتمام ماند.

معظم له با بحث دقیقی در هر آیه قرآن کریم، رموز لغوی، صرفی، نحوی، شیوه اعراب گذاری، چگونگی رسم الخط و کتابت واژه‌ها، معانی، بیان، بلاغت و تجوید را بیان فرموده و همچنین مفاهیم عرفانی، حکمی، فلسفی، اخلاقی، کلامی را با تدوقی که خاص ایشان بود در قالب جملاتی زیبا و بعضاً مسجع، با ژرف‌نگری حیرت‌انگیزی ارائه نموده، در کنار آن هر جا لازم بوده است از علم اعداد و اوافق با دانش سرشار خود، خوانند را سیراب می‌کند. سپس در آخر بخش هر مطلب تفسیر و تأویل آیه مبارکه را با توجه به آرای مختلفه اهل تفسیر از همه مسالک و مشارب ارائه نموده آنگاه نظر مختار خویش را بیان می‌نمایند. تفسیر او به زبان عربی و شیوه استدلالی، فلسفی و عرفانی است. از این نوشتار تسلط و تبحری که استاد در زبان عربی و شعر و ادب پارسی دارد، معلوم می‌گردد.

شهادت

شب یکشنبه اول آبانماه سال ۱۳۵۶ آیت الله سید مصطفی خمینی بعد از نماز جماعت و سپس دیدار با امام خمینی، به خاطر مهمان داشتن، زودتر از شبهای دیگر به منزل رفت. بامداد روز بعد خدمتکار منزل (صغری خانم) مطابق معمول برای ایشان یک لیوان آب می‌برد و یکی دو بار ایشان را صدا می‌زد. وقتی می‌بیند ایشان جواب نمی‌دهد جلو می‌رود و می‌بیند که صورت وی کبود شده است. وقتی پیکر ایشان را به بیمارستان می‌رسانند پزشک بیمارستان می‌گوید ایشان مسموم شده است. مرگ ایشان مشکوک است و با توجه به کبودیهای متعدد روی بدن و صورت بهتر است کالبد شکافی شود تا چگونگی مرگ به صورت دقیق مشخص شود. ولی امام خمینی به علت اینکه فایده‌ای بر این کار مترتب نبود اجازه ندادند. سازمان امنیت عراق پزشک مزبور را بازداشت کرد ولی بعد از ۲۴ ساعت او را آزاد کرد و او نیز دیگر درباره مرگ آیت الله شهید هیچ اظهارنظری نکرد. از مجموع مدارک چنین معلوم می‌شود که شهادت سید مصطفی خمینی با توطئه مشترک سازمان امنیت ایران و عراق صورت گرفت. و به این ترتیب شخصیتی که به گفته

امام خمینی امید آینده اسلام بود در سن ۴۷ سالگی از دست رفت.

جنازه حاج آقا مصطفی را برای غسل و طواف به کربلا بردند و مرحوم آیت الله حاج سید علی حسینی شاهرودی فرزند برومند مرجع فقید جهان تشیع آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی، بدن ایشان را در غسلخانه‌ای در خیمه گاه کربلا غسل داد و جنازه ایشان بعد از طواف در حرم امام حسین (ع) به نجف بازگردانده شده و مراسم تشییع با حضور گسترده علما و فضلاء و عامه مردم نجف به شکل باشکوهی از بیرون شهر به طرف بارگاه علوی آغاز گردید. پیکر مطهر وی بعد از نماز توسط مرحوم آیت الله العظمی خویی در حجره‌ای که مقبره مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) قرار داشت در کنار قبر ایشان و پشت مقبره علامه حلی که در رواق مطهر حضرت امام علی (ع) واقع است در روز دوم آبان سال ۱۳۵۶ دفن گردید.

شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی روح تازه‌ای در کالبد انقلاب دمید و مجالس ختمی به همین مناسبت در اکثر نقاط ایران برپا شد و فرصت مناسبی را پدید آورد تا قضای خفقان حاکم که از آغاز سال ۵۶ در حال شکسته شدن بود در سطح کشور بشکند و جو انقلابی در سرتاسر ایران رخ نمایی کند. در این مجالس نام امام خمینی که مرجع دینی بلامنازع بود آشکارا در مساجد و محافل برده شد و بیدادگریهای رژیم شاهنشاهی مطرح گردید و انقلاب اسلامی در مسیری افتاد که برای هیچکس قابل تصور نبود و ظرف مدت کوتاهی نظام شاهنشاهی را برای همیشه از صحنه کشور ایران پاک کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. فصلنامه حضور، شماره‌های ۲۱، ۲۵، ۳۳، ۳۷ و ...
۲. کتاب پا به پای آفتاب، ج ۱، ۲، ۴، ۸.
۳. خاطرات آیت الله خاتم یزدی
۴. خاطرات آیت الله مسعودی خمینی

انقلاب